



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۱۰/۲۶

م. اسحاق نگارگر

## جین تایلور شاعرۀ انگلیسی



"جین تایلور" شاعرۀ انگلیسی که در بیست و سوم سپتمبر ۱۷۸۳ به دنیا آمد و در سیزدهم اپریل ۱۸۲۴ چشم از زندگانی پوشید؛ در لندن و بعد ها در کول چستر؛ ایسکس و آنگر به زندگی ادامه داد در چهل سالگی به مرض سرطان پستان از جهان رفت.

او سراینده شعر معروف Twinkle, twinkle little star است که اکنون این شعر او به ترانه کودکان جهان بدل شده است. چه جادو؛ کشش و جاذبه در این شعر نهفته است که کودکان با یک بار شنیدن بدان انس می گیرند؛ من نمی دانم اما همین اکنون پیرانه سر من آنرا دوست دارم. کوشیده ام که این شعر را برای کودکان فارسی زبان به وزن (مفعول فاعلاتن؛ مفعول فاعلاتن) ترجمه کنم.

نخست آنرا به زبان انگلیسی از نظر می گذرانیم:

Twinkle, twinkle little star  
Twinkle, twinkle little star  
How I wonder what you are!  
Up above the world so high,  
Like a diamond in the sky.  
\*\*\*\*\*

When the blazing sun is gone,  
When he nothing shines upon,  
Then you show your little light,  
Twinkle, twinkle through the night.  
\*\*\*\*\*

Then the traveller in the dark  
Thanks you for your tiny spark;  
He could not see where to go,  
If you did not twinkle so.  
\*\*\*\*\*

In the dark blue sky you keep,  
And often through my curtains peep,  
For you never shut your eye  
Till the sun is in the sky.  
\*\*\*\*\*

As your bright and tiny spark  
Light the traveller in the dark,  
Though I know not what you are,  
Twinkle, twinkle little star.

بُدُ رخس و باز بُدُرخش تو ای ستاره کوچک؛  
حیرانم و ندانم من از تو هیچ بیشک؛  
تو بر فرّاز گیتی؛ آنجا دران بلندی؛  
استی به سان الماس اندر دُرخشش و تک.

\*\*\*\*\*

وقتی که مهرِ رخشان خوابید در شبِ تار؛  
آنکه که چادر شب افکند او به رخسار؛  
تو نور خویشتن را با یک جهان سخاوت؛  
بر ما همی فشانی شب ها نشسته بیدار.

\*\*\*\*\*

بیچاره آن مسافر اندر شبان تاریک؛  
چون گم کند رهش را در تنگنای باریک؛  
ره را ز چه نداند در اوج نا امیددی؛  
نورت کتند به قلبش عشق و امید تحریک.

\*\*\*\*\*

در آسمان آبی هر تیره شب نمایی؛  
از پشتِ پرده هایم تو راه خود گشایی؛  
چشم تو باز باشد هرگز نبندی آنرا؛  
خورشید تا نیاید تو گرم و دلربایی.  
با رهروان شب ها چشم تو مهربان است؛  
چشم همیشه بازت چون چشم عاشقان است؛  
هر چند من ندانم راز درونت اندک؛  
پیوسته نامت اما بانام کاروان است  
بُدُرخش و باز بُدُرخش تو ای نگار کوچک

نگارگر ۲۳ اکتوبر ۲۰۱۸ برمنگهم